



با خدشه در همین اصل علیت بود که نهایتاً به جمله «خدا مرده است» امثال نیچه رسیدند. نخستین دلیل توفیق هر قصه و درامی به همین علیت بازمی‌گردد. علیت به زبان ساده یعنی هر پدیده‌ای علتی دارد و چون بدیهی است که «دور و تسلسل» در علیت محال است، هر قصه‌ای اثبات می‌کند که وجود «علت‌العلل» و «واجب‌الوجود» ازلی ضروری است.

در رمان و فیلم‌های مدرن معاصر، واقع‌گرایی و پی‌رنگ غنی و سرشار از جزئیات جالب، به‌اضافه رویکرد روان‌کاوانه و روان‌شناسانه تبدیل به سه مؤلفه اصلی شده‌اند. مهم‌ترین تلاش چنین فیلم‌ها و رمان‌هایی این است که «عمل داستانی» آثارشان یا همان اکت انگلیسی که ریشه نام‌گذاری یک نوع از آثار به «اکشن» شده است تا جای ممکن واقع‌گرایانه باشد.

فورستر، منتقد و نویسنده مشهور انگلیسی می‌گوید داستانی که واقعا داستان باشد، باید دارای یک خصیصه مهم باشد و آن اینکه مخاطب را علاقه‌مند و تشنه کند که کنج‌کاو شود بعدش چه خواهد شد؟ تا وقتی مخاطب چنین سؤالی دارد، داستان موفق است؛ اما به‌محض اینکه برای ما مهم نباشد اتفاق بعدی

چیز است، دیگر رشته پیوند داستان و مخاطب قطع شده است. این حرف فورستر در عین سادگی حرف مهمی است؛ زیرا نشان می‌دهد تفاوت‌های «پی‌رنگ» با نظام علت و معلولی ساده چیست. روایت هر داستان اگر فقط به سلسله علت و معلول‌ها می‌پردازد، دیگر تبدیل به گزارش خبری ساده‌ای می‌شود؛ طوری که احتمالاً ما حدس می‌زدیم اتفاق بعدی چیست. البته اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، در داستان هم مخاطب مدام حدس می‌زند که اتفاق بعدی چه خواهد بود و در واقع منتظر است ببیند حدسش درست درمی‌آید یا نه. همین جاست که آن رینگ بوکس معروف بین مخاطب و نویسنده شکل می‌گیرد! وقت‌هایی که حدس مخاطب درست درمی‌آید، از تیزهوشی خود لذت می‌برد؛ اما وقت‌هایی که اتفاقات برخلاف حدس اولیه‌اش رقم می‌خورند، حالا بستگی دارد که این غافل‌گیری چقدر منطقی و زیبا باشد یا نباشد. یکی از مهم‌ترین دلایل ایجاد چنین حالتی این است که مخاطب به فیلم اعتماد پیدا کرده باشد؛ یعنی مطمئن باشد که این داستان به‌موقع پیش می‌رود و اطلاعات و چیزهای لازم را نیز ارائه خواهد کرد. مهم‌ترین دلیل ایجاد چنین اعتمادی نیز این است که پی‌رنگ داستان قوی باشد؛ به این معنا که اولاً فیلم در روایت داستان خود، دقیقاً همان حوادث و اطلاعاتی را انتخاب کند که لازم است انتخاب شده باشد، نه چیزی بیشتر یا کمتر؛ درثانی، نظام علت و معلولی حاکم به اتفاقات و ماجراهای درون قصه، منطقی و درست باشد. شاید منظور هیچ‌کاک وقتی می‌گوید: «داستان چیزی غیر از روایت خود زندگی نیست که کلمه‌های ملال‌آور و زائد آن حذف شده باشد»، اشاره به همین مطلب اخیر باشد.

در روایت‌های پست‌مدرن سینمایی جزئیات اهمیت زیادی یافته‌اند. حالا مثلاً در فیلم‌های پلیسی و جنایی، علاوه بر اینکه می‌خواهیم بدانیم قاتل چه کسی است، یا انگیزه اصلی او چه بوده و غیره، خود نحوه قتل و حواشی مختلف آن نیز اهمیت دارند.

تورنیست‌های ایرانی در باندهای بزرگ استودیویی که با خودشان آورده بودند، موسیقی راک آمریکایی پلی کرده بودند و بالباس‌های راحتی اتاق خوابشان هم‌رمز را به دراز آیلند تغییر هویت داده بودند

